



[Interview] Covering Islam in Latin America: An Interview with Journalist Eduardo Campos Lima

[Interview by] Ken Chitwood

[Translation by] Monir Sadat

Source: *Latin America and Caribbean Islamic Studies Newsletter*, Vol. 5, No. 2 (Spring 2025), pp. 7-10.

پوشش اسلام در آمریکای لاتین. مصاحبه‌ای با روزنامه نگار ادوارد کمپوس لیما
(Eduardo Campos Lima)

کن چیتوود: در ابتدا لطفا بیشتر در باره خود و کارتان توضیح بدهید.

ادواردو کمپوس لیما: من در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ در رشته روزنامه نگاری دانشگاه سن پائولی برزیل تحصیل کردم. بلافاصله در یکی از بزرگترین روزنامه‌های کشور یعنی فولیا د سن پائولو (Folha de S. Paulo) مشغول به کار شدم. آن سال‌ها در برزیل دوران شکوفایی املاک و مستغلات بود و اولین سال‌های کارم بیشتر به گزارش فعالیت‌های ساختمانی و خرید و فروش املاک گذشت. البته بطور موازی با رسانه‌های چپ برزیل بخصوص با روزنامه برزیل د فاتو (Brasil de Fato) هم همکاری میکردم. این روزنامه توسط سردمداران فعال حقوق بشر مثل ادواردو گالینو (Eduardo Galeano) و نوام چامسکی (Noam Chomsky) در دوران گرد همایی اجتماعی جهانی در سال ۲۰۰۳ تاسیس شده است. برای این رسانه‌ها بخصوص درباره تئاتر مطلب می‌نوشتم.

من در ۲۰۱۳ موفق به اخذ مدرک کارشناسی شدم و بلاخره در ۲۰۲۰ مدرک دکتری در رشته نمایشنامه نویسی گرفتم. در دوره دکتری بعنوان محقق مدعو برنامه فول برایت (Fulbright) یکسال در ایالات متحده آمریکا عمدتاً در دانشگاه نیو مکزیکو (Albuquerque) و سپس در دانشگاه کلمبیا در نیویورک بسر بردم. موضوع پژوهش من درباره تئاتر چیکانو (Chicano) و پورتوریکویی (Puerto-Rican) بود. یکی از موضوعات اصلی در کارهای دانشگاهی من را اهمیت مذهب در جنبش‌های اجتماعی آمریکای لاتین تشکیل می‌داد. این بود که شروع به مطالعه مذهب بشکل منظم کردم. بلحاظ دینی شخصاً به کاتولیک وابسته به رم عمل می‌کنم و گرچه همیشه درباره ادیان دیگر کنجکاو بوده‌ام ولی به تازگی موفق به مطالعه دین بشکل آکادمیک شده‌ام.

چیتوود: شما چندین مقاله درباره اسلام و مسلمین در برزیل و آمریکای لاتین و همینطور درباره جنوب-جنوب میان آمریکای لاتین و کشورهای با اکثریت مسلمان نوشته‌اید. چطور شد که شروع به گزارش این روایات کردید؟

لیما: من از زمانی که با روزنامه برزیل د فاتو (Brasil de Fato) همکاری می‌کردم مبارزه فلسطینیان مهاجر در آمریکای لاتین را دنبال می‌کردم. مورد فلسطینیان همیشه برای جناح چپ برزیل یک موضوع محوری بوده است. همینطور برزیل نقش موثری در پذیرش پناهندگان سوریه از سال ۲۰۱۳ بازی کرده است. از اینرو درباره موقعیت آنها در برزیل بخصوص در دوران بحران اقتصادی که بعد از استیضاح دیلما روسوف و در دوران ریاست میشل تمر (۲۰۱۸-۲۰۱۶) ایجاد شد، کنجکاو بودم.

در سال ۲۰۱۹ شروع به همکاری با وبسایت انگلیسی زبان کاتولیک کردم و توانستم درباره بحران‌های مهاجران در آمریکای لاتین از جمله مسلمانان بنویسم. اما هدفم این بود که در موضوع اعراب و مسلمانان فراتر از این بروم. بنابراین با رسانه‌های انگلیسی فعال در زمینه خاورمیانه تماس گرفتم. اینچنین بود که همکاری با رسانه‌های عرب نیوز، میدل ایست آی و الجزیره ممکن شد.

چیتوود: چه دستاورد و دانشی از این همه روایت کسب کرده‌اید؟

لیما: درس‌های بسیاری از پوشش مسائل اعراب و مسلمانان در آمریکای لاتین گرفتم. یکی از چیزهایی که آموختم این بود که نمی‌توان با جدیت از وجود "جامعه مسلمان" در آمریکای لاتین سخن گفت. زیرا جامعه‌ای پرجنب و جوش است که با ورود دائمی آسیایی‌ها و بخصوص آفریقایی‌ها در حال تغییر دائمی است. متأسفانه تازه‌واردین بیشترین رنج را می‌برند و هیچ حمایتی حتی از جانب همکیشان مسلمانان خود دریافت نمی‌کنند.

مطلب دیگری که آموختم این بود که در پس پدیده‌های اجتماعی همیشه می‌توان رد پای سیاست کابینالیسم را دید. برزیل در سال‌های گذشته صادرکننده عمده گوشت حلال در دنیا شده است. بنابراین نیاز به نیروی انسانی مسلمان در کشتارگاه‌ها احساس می‌شد. بهمین دلیل ما با مهاجرت بیش از بیش مسلمانان آفریقایی به برزیل شدیم. این مسلمانان در نظر دارند با پس‌انداز در برزیل به آمریکا مهاجرت کنند ولی دستمزدها بشدت پایین است و بیشتر اوقات قادر به مهاجرت نیستند.

درس دیگری که گرفتم این است که همگرایی جنوب-جنوب بخصوص اتحاد اقتصادی میان آمریکای جنوبی و کشورهای خلیج فارس کاملاً قابل حصول و برای هر دو طرف بسیار مفید است. اما نظم بین‌المللی

موجود در مقابل آن مقاومت و آن را مشکل می‌کند. درحقیقت تلاش‌های مداومی از طرف آمریکا و سایر کشورها صورت می‌گیرد که این همگرایی شکننده را به مخاطره می‌اندازد. مشهودترین مثال آن میلیونر شدن تولیدکنندگان گوشت گاو و مرغ از طریق تجارت با کشورهای مسلمان در خلیج فارس است که قدرت مالی آنها توانست بولسوناروی حامی قوی اسرائیل را به قدرت برساند، کسی که قول داد سفارت برزیل را از تل آویو به اورشلیم انتقال بدهد! یعنی این میلیونرها در حالی که از همگرایی اقتصادی میان جنوب-جنوب منتفع می‌شوند، از نظر ایدئولوژی متعلق به کمپ ملت‌های امپریالیست محسوب می‌شوند.

چیت وود: چه مطالبی در باره این موضوعات را برای مردم حیرت آور و بخصوص روشنگرانه می‌دانید؟

لیما: من فکر می‌کنم بیشتر مردم نمی‌دانند که بخشی از ریشه‌های مردم آمریکای لاتین مسلمان هستند. به عبارت روشنتر، تبعید مورهای مسلمان از اسپانیا و پرتقال در اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم، مسلمانانی را در میان استعمارگران به برزیل آورد که تا نایب السلطنه پرو و اسپانیای جدید از مورها باشند. به همین دلیل نمونه‌های بسیاری از هنرها و معماری‌های مودخار (Mudéjar)¹ در سراسر آمریکای لاتین وجود دارد. عادات مورها از قرن شانزدهم به بعد یکی از بنیان‌های فرهنگ آمریکای لاتین را در هنر، زبان، آشپزی و غیره تشکیل می‌دهد. پژوهش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد موسیقی در مناطقی مانند نیومکزیکو و سایر سنت‌ها در آرژانتین، اروگوئه، پاراگوئه و جنوب برزیل مرتبط و حتی ریشه در دنیای عرب دارند.

چنین ارتباطات تاریخی جذب مهاجران عرب در جوامع آمریکای لاتین را در قرون نوزده و بیست آسانتر کرد، زیرا شرایط رشد در این منطقه بیشتر از مناطق دیگر دنیا فراهم بود. برخی اعراب و فرزندان‌شان در کلمبیا، برزیل، آرژانتین و غیره حتی به مقام ریاست‌جمهوری راه یافتند و در سطح نخبگان بخش‌های هنری، دانشگاهی، کسب و کار و پزشکی مشغول هستند.

1. مودخار (Mudéjar) به مسلمانانی گفته می‌شود که بعد از شکست آخرین حکومت اسلامی در شبه جزیره ایبریا (شامل اسپانیا و پرتقال کنونی) در آنجا باقی ماندند. این کلمه برای هنرهایی هم که تحت تأثیر هنر اسلامی تولید شده‌اند بکار می‌رود.

چیت وود: در رابطه با این مقالات بیشتر با دانشگاهیان کار می‌کنید؟ از دیدگاه روزنامه نگاری شما، چه عنوان‌هایی از موضوع مورد علاقه دانشگاهیان برای پژوهش عمیق‌تر است؟

لیما: من همیشه وقتی چنین مقالاتی را می‌نویسم بخصوص وقتی با موضوعات پیچیده سیاسی یا روابط بین‌الملل روبرو می‌شوم از تخصص دانشگاهیان کمک می‌گیرم. البته یافتن متخصص همیشه کار آسانی نیست. مثلاً در این سالها دریافتم که متخصصان کمی درخصوص روابط دوجانبه میان کشورهای آمریکای مرکزی و کشورهای عرب وجود دارد. علاوه بر اینکه یافتن اساتیدی که از زمینه عمومی اسلام در آمریکای لاتین مطلع بوده و حاضر به مصاحبه شوند مشکل است.

چیت وود: مطلب دیگری هست که بخواهید برای ما بازگو کنید؟

لیما: میل دارم بگویم روزنامه نگاران بیشتر اوقات سعی می‌کنند برای مقالات خود بهترین منابع را شناسایی کنند اما همیشه با ضیق وقت مواجه هستند. بنابراین معمول است که دست آخر به مصاحبه با افراد بسنده کنند، که البته بهترین انتخاب نیست. بخصوص وقتی موضوع راجع به اسلام و اعراب است بخاطر درگیری با مقدار معتناهی پیش‌داوری، بد جوری به مشکل برمی‌خورند. از این‌رو اگر گروهی از متخصصان در موضوعات عرب و اسلام حضوری چشمگیری در رسانه‌های اجتماعی داشته و به سهولت بتوان مشورت کرد، جالب خواهد شد.

همین‌طور باید بگویم معیار تخصص افراد در نظر روزنامه نگاران با معیارهای تخصص آکادمیک متفاوت است. برای مثال درخصوص پایان نامه خودم درباره توانمند سازی زنان در جامعه مسلمان تیخوانا (Tijuana)²، سعی کردم با فردی درباره اسلام در مکزیك مصاحبه کنم که خودش معتقد بود متخصص این موضوع در مکزیك نیست. یعنی من شانس استفاده از نظرات و تحلیل‌های کارشناسانه را از دست دادم. بنابراین لازم است اساتید همیشه آماده پذیرش و بررسی موضوعاتی باشند که ظاهراً ورای زمینه تمرکز آکادمیک آنهاست. بخصوص وقتی مربوط به اسلام و مسلمانان در آمریکای لاتین است.

2. تیخوانا شهر مرزی میان کشور مکزیك و ایالات متحده آمریکا است.